

زین العابدین مؤتمن

معلمی که رمان ده جلدی تاریخی اش را در

هفده سالگی نوشت

جعفر ربانی

تصویرگر: مرتضی یزدانی

اینکه «مؤتمن، در مدرسه، ما را زیر درختچه‌های گل طاووسی می‌برد و برایمان قصه می‌گفت: ما هم کلاس درس را رها کرده در سایه گل‌های طاووسی می‌نشستیم و با جان و دل گوش می‌کردیم» (بخارا). بنابراین مؤتمن از همان نوجوانی میل به آموزاندن داشته است؛ از وی نقل کرده‌اند: «من از سال پنجم ابتدایی با خود عهد کردم که برای همیشه یک معلم باشم.» به هر حال از البرز دیپلم گرفت و به دانشگاه رفت و دو لیسانس گرفت، لیسانس زبان و ادب فارسی و لیسانس زبان انگلیسی. سپس به استخدام فرهنگ درآمد.

× بازگشت به مدرسه ×

مؤتمن پس از استخدام در فرهنگ، معلم همان مدرسه‌ای شد که روزی در آن درس خوانده بود؛ یعنی البرز. در این زمان آمریکایی‌ها رفته بودند و پس از چند مدیر که عوض شده بود دکتر محمدعلی مجتهدی، استاد ریاضی دانشکده فنی، رئیس مدرسه شده بود. مؤتمن با اینکه او و مجتهدی دو روحیه متفاوت داشتند همچنان در البرز ماند. توضیح اینکه، نوشته مرتضی رسولی‌پور: دکتر جردن و دکتر مجتهدی از نظر شخصیت و نوع اداره مدرسه با هم تفاوت داشتند. رفتار دکتر جردن با دانش‌آموزان پدران بود و در عمل می‌کوشید دموکراسی را به دانش‌آموزان آموزش دهد، در حالی که دکتر مجتهدی تربیتی فرانسوی و خصوصیات مستبدانه‌ای داشت. و مؤتمن رفتار جردن را بهتر می‌پسندید. نتیجه اینکه مجتهدی برای چند سال مانع تدریس مؤتمن در البرز شد و مؤتمن ناچار به دبیرستان دارالفنون رفت، اما عاقبت مجتهدی ناچار شد او را به البرز بازگرداند.

گفتیم مؤتمن ۴۲ سال با عشق و علاقه در البرز تدریس کرد. از این رو باید معلم بسیار موفق بوده و منشأ تربیت شاگردانی برجسته شده باشد. در واقع

زین العابدین مؤتمن معلم دبیرستان البرز بود و ۴۲ سال در این مدرسه خدمت کرد؛ حتی بیشتر از دکتر مجتهدی که ۳۷ سال ریاست مدرسه را داشت. آنچه مؤتمن را سزاوار عنوان «معلم بزرگ» می‌سازد دانش فراوان او، حس خدمتگزاری، ایران دوستی، صداقت و دیگر ویژگی‌هایی از این دست است، علاوه بر اینکه آثار قلمی بازممانده از وی را باید شاهدهی بر منزلت او دانست.

زین العابدین مؤتمن از خاندان صبای کاشانی - و بعد ضرابی‌ها - نسب می‌برد؛ خاندانی که خود از دنبلی‌های خوی بودند و در عصر صفوی دست تقدیر شاخه‌ای از آن‌ها را به کاشان آورد و آن‌ها در این شهر بالیدند و تا یکی دو قرن بعد پاره‌ای از چهره‌های برجسته ادبی و هنری از آن بیرون آمدند. دنبلی‌ها نیز خود کردهایی بودند بازمانده از نیروهای عهد صلاح‌الدین ایوبی که بعدها در اطراف خوی ساکن شده بودند. آن‌ها نیز دارای چهره‌هایی برجسته‌اند که نمونه‌اش عبدالرزاق مفتون دنبلی، شاعر و ادیب عصر فتحعلی‌شاه و صاحب کتاب مآثر سلطانیه است. اینک زین العابدین مؤتمن:

زین العابدین مؤتمن نوه میرزا زین العابدین مؤتمن‌الاطبا، پزشک ناصرالدین شاه بود و در سال ۱۲۹۳ شمسی در محله پامنار تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در کالج آمریکایی، پیش از اینکه به دبیرستان البرز تغییر نام دهد و از مدیریت آمریکایی‌ها نیز خارج شود گذراند. خوب است بدانیم که تغییر نام کالج آمریکایی به دبیرستان البرز هم پیشنهاد زین العابدین مؤتمن بود که تا امروز هم این نام باقی است.

دکتر منوچهر ستوده - استاد مسلم جغرافیای تاریخی - که با مؤتمن در کالج هم‌کلاس بوده دو نکته شنیدنی درباره او دارد: «مؤتمن حرارت و جوششی داشت. باطناً طالب علم و حقیقت بود ولی میان معلمان موجود مدرسه کسی نبود که جوابگوی او باشد. دیگر



چنین است؛ به شهادت این افراد نام آور که نزد او تلمذ کرده‌اند: بهرام بیضایی (نمایش نامه نویس و کارگردان)، نادر ابراهیمی (نویسنده و کارگردان)، محمدعلی سپانلو (شاعر و منتقد)، محمدعلی همایون کاتوزیان (استاد تاریخ)، داریوش آشوری (زبان شناس و مترجم)، محمود روح‌الامینی (مردم‌شناس)، مهدی محقق (استاد معارف اسلامی)، خسرو سینایی (مستندساز)، احمد اشرف (جامعه‌شناس)، عبدالله کوثری (مترجم)، هاشم رجب‌زاده (استاد زبان و فرهنگ فارسی مقیم ژاپن) و سید عبدالله انوار (دانشمند علوم اسلامی) و چه بسا نام‌آوران دیگری که ما آن‌ها را نمی‌شناسیم.

✕ مؤتمن رمان‌نویس، ادیب، صائب‌شناس ✕

مؤتمن جز اینکه معلم موفق بود، رمان‌نویس، ادیب، ناقد ادبی و پژوهشگری توانا بود، چنان‌که یحیی‌آرین‌پور، در کتاب ارزشمند «از صبا تا نیما» وی را از جمله نثرنویسان تأثیرگذار معاصر ایران دانسته و فصلی را به معرفی او اختصاص داده است.

مشهورترین رمان مؤتمن «آشیانه عقاب» در ۱۰ جلد است که آن را در هفده سالگی نوشت. این رمان شرح مبارزات اسماعیلیه به رهبری حسن صباح است و بارها به چاپ رسیده است. جز این، مؤتمن، احیا کننده صائب و سبک هندی در ایران بود، به طوری که حتی بر استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر - که دل‌بسته سبک خراسانی بود تأثیر گذاشت.

یکی از کارهای تأثیرگذار مؤتمن نقد جدی و جانانه او بر کتاب «خلقیات ما ایرانیان» اثر سید محمد علی جمال‌زاده بود. این کتاب در سال ۱۳۴۸ در انتشارات امیرکبیر چاپ شد و آن در زمانی بود که مؤتمن، از دبیرستان به «اداره نگارش کتاب وزارت آموزش و پرورش» انتقال یافته و در آنجا کارشناس کتاب‌های درسی شده بود و البته کتاب‌های عمومی

را نیز بررسی می‌کرد. مؤتمن وقتی خلقیات ما ایرانیان را خواند، بسیار ناراحت شد و نقد تندی بر آن نوشت، ولی نقد خود را منتشر نکرد بلکه آن را محرمانه برای جمال‌زاده به سوییس فرستاد و سال بعد نیز خودش به سوییس رفت و با جمال‌زاده ملاقات کرد. این نقد البته بعداً انتشار یافت. نقد مؤتمن کارساز بود و باعث شد خلقیات ما ایرانیان از چشم‌ها بیفتد. مؤتمن عقیده داشت که «جمال‌زاده هر فحش و دشنامی را که خارجی‌ها از روی غرض‌ورزی در مدت ۲۰۰ سال رفت و آمد به ایران نثار مردم ایران کرده بودند یک‌جا در این کتاب جمع کرده و به هم وطنانش تحویل داده است.» مؤتمن با چشم باز به جهان پیرامون خود می‌نگریست، از همین رو بسیار سفر کرد. خود گفته بود به جز یک استان، همه استان‌های ایران را دیده و در جهان نیز به همه کشورهای نیم کره شمالی سفر کرده است. حاصل این سفرهای او سه هزار اسلاید و ده ساعت فیلم است که از وی باقی مانده است. با این اوصاف، مؤتمن ازدواج نکرد و فرزندى از خود باقی نگذاشت. تنها خانه‌اش را به آموزش و پرورش هدیه کرد و کتابخانه‌اش را نیز به «کتابخانه صائب در اصفهان» بخشید؛ و بدون تعلق خاطر از جهان رفت. وی در آبان‌ماه ۸۴ در ۸۹ سالگی چشم از جهان فرو بست و در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مؤتمن از معلمان خوشبخت روزگار خود بود تا آنجا که توجه فرهیختگان را به خود جلب کرد و در بزرگداشت وی صمیمانه کوشیدند. در سال ۱۳۸۱، در زمان حیات وی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برای او مراسم بزرگداشت برگزار کرد. در سال ۱۳۸۳، مجله بخارا یادنامه‌ای برای او تدارک دید. کتاب ماه ادبیات و فلسفه نیز در همان ایام ویژه‌نامه‌ای برایش انتشار داد و بالاخره مرتضی رسولی‌پور - پژوهشگر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر - مصاحبه‌ای طولانی با وی انجام داد که در شماره‌های ۵۷، ۵۸ و ۵۹ فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران منتشر شده است.